

تحلیل سیاسی هفته (۳۷)  
مقایسه راهبرد دولت‌های غربی در قبال انتخابات دهم  
ریاست‌جمهوری و مجلس نهم

نام دفتر: مطالعات سیاسی

شماره مسلسل: ۲۶۰۱۲۳۰۵

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۱۲/۲۱

راهبرد دولت‌های غربی در قبال انتخابات دهم ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ و انتخابات نهم مجلس شورای اسلامی سال ۱۳۹۰ شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با یکدیگر داشت. در انتخابات دهم ریاست‌جمهوری رسانه‌های غربی و وابستگان به آن تلاش کردند به‌طور یکپارچه مخاطبان خود را به رأی دادن به یک نامزد مشخص ترغیب کنند. آنها در این راستا تلاش کردند گروه‌های مختلف و از جمله اپوزیسیون داخلی و خارجی را نیز به میدان بکشانند و برخلاف خط‌مشی گذشته سخنی از تحریم به میان نیاورند. دولت‌های غربی در اتخاذ این سیاست دلایل خود را داشتند، اما در دیپلماسی رسانه‌ای خود چنین وانمود می‌کردند که بین «بد» و «بدتر» باید به گزینه «بد» رأی داد.

در انتخابات مجلس نهم، اما این سیاست تغییر کرد. آنها به‌دنبال شکستی که در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ خوردند و نیز پروژه آشوب‌آفرینی هم به نتیجه‌ای نرسید و انقلاب مخملی شکست خورد، راهبرد گذشته خود را به‌شکل جدید احیا کردند. این بار نیز سخن از «تحریم» به میان آمد. رسانه‌های غربی با بزرگنمایی سه نکته تلاش کردند تا از مشارکت عمومی در پای صندوق‌های رأی جلوگیری کنند. آن سه محور تبلیغاتی عبارت بودند از:

۱. اصرار بر ادعای کاذب تقلب و دمیدن بر روح یأس و بدبینی،

۲. تبلیغ جنگ قدرت در هیئت حاکمه جمهوری اسلامی، به‌ویژه میان رهبر و رئیس‌جمهور،

۳. بزرگنمایی مشکلات اقتصادی و ایجاد ناامیدی در جامعه.

تصور آنان این بود که با تمرکز بر روی سه محور تبلیغی یاد شده باید از مشارکت عمومی کاسته شود. کاهش مشارکت عمومی در این دوره از انتخابات حتی می‌توانست به معنای عدم مشروعیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی و دستکم عدم مشروعیت نظام انتخاباتی آن تلقی شود.

رسانه‌های غربی در پی آن بودند که با ایجاد جو تبلیغی سنگین به‌منظور عدم حضور مردم در انتخابات زمینه را برای سیاست‌های آتی خود در ایران و منطقه فراهم سازند. تشدید «تحریم‌ها» و «تهدید به جنگ نظامی» مهمترین این موارد محسوب می‌شد. آنان به صراحت بیان می‌کردند که کاهش مشارکت مردم در انتخابات می‌تواند زمینه‌های ایجاد مدل سوریه در ایران را فراهم سازد یعنی تجهیز نظامی مخالفان جمهوری اسلامی که در سه دهه گذشته از تجزیه‌طلبی و ترور غافل نبوده‌اند.

در چنین شرایطی اصلاح‌طلبان تندرو نیز در پی اثبات خویش برای حکومت بودند. آنان گمان می‌کردند که عدم حضور آنان در انتخابات موجب کاهش مشارکت و عدم مشروعیت انتخابات خواهد شد، لذا به‌طور آشکار و پنهان سیاست «تحریم» انتخابات را پیش گرفتند که از آن با عنوان «تحریم فعال» یاد می‌کردند.

با وجود این، مشارکت بالای ایرانیان در انتخابات مجلس نهم که حتی از دو مجلس گذشته نیز بیشتر بود و از ۶۰ درصد تجاوز کرد نشان داد که پیش‌بینی‌ها و سیاست‌های دولت‌های غربی، اپوزیسیون و اصلاح‌طلبان تندرو درست از

آب در نیامده است. اما از آنجا که شکست سیاست‌های دولت‌های غربی در انتخابات سال ۱۳۸۸ موجب نشد که آنان انتخابات و انتخاب مردم ایران را به رسمیت بشناسند و با سیاست «انقلاب مخملی» به بهانه «تقلب در انتخابات» وارد کارزار جنگ نرم با جمهوری اسلامی شدند، این بار نیز این دولت‌ها شکست را نمی‌پذیرند.

در سال ۱۳۸۸ ادعای «تقلب»، محملی برای تبلیغات رسانه‌های غربی شد و آنان اعمال تقلب را به جمهوری اسلامی نسبت دادند، چون کاندیدای مورد نظر آنان ازسوی اکثریت جامعه مورد اقبال قرار نگرفته بود. این بار نیز چون سیاست «تحریم» شکست خورد، تبلیغات رسانه‌ای غرب به سمت شک و تردید در آمار رسمی وزارت کشور رفته و خواهد رفت. رسانه‌های غربی علاوه بر آنکه تلاش می‌کنند نشان دهند انتخابات ایران «آزاد» و «واقعی» نبوده است، همچنین در پی این هستند که تبلیغ کنند میزان مشارکت در انتخابات سال ۱۳۹۰ تنها ۳۴ درصد بوده است و وزارت کشور به «دروغ» آمار ۶۴ درصد را بیان می‌کند. ازسوی دیگر، انتخابات سال ۱۳۹۰ حتی تأثیرات منفی انتخابات سال ۱۳۸۸ را می‌توانست برطرف کند و نگرانی دوستان انقلاب را نیز مرتفع نماید، لذا مشارکت بالای جامعه در نخستین انتخابات پس از حوادث سال ۱۳۸۸ به معنای موفقیتی دیگر در کارنامه جمهوری اسلامی بود و نشان می‌داد که سه ضلع آشوب‌آفرین فتنه سال ۱۳۸۸ یعنی دولت‌های بیگانه، اپوزیسیون و تجدیدنظرطلبان داخلی در راه‌اندازی جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی به موفقیتی دست نیافته‌اند.

این انتخابات همچنین نشان داد که نظام اسلامی وجود و موجودیت خود را وامدار شخص و گروه خاصی نیست که با کنار رفتن آنان از حرکت رو به رشد خود باز ایستد. بر همین اساس انتخابات مجلس نهم فصل جدیدی در شکل‌گیری آرایش سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی داخلی خواهد بود. به عبارت دیگر، انتخابات مجلس نهم نشان داد که ریزش برخی نیروهای سیاسی در انتخابات سال ۱۳۸۸ با رویش‌های جدیدی مواجه شده است و سلول‌های انقلاب از بازسازی باز نمی‌مانند. اتکا و هماهنگی این گروه‌ها با دولت‌های بیگانه نیز نتوانست امتیازی را برای آنان به دست آورد. در چنین شرایطی روشن است که شکست‌خوردگان انتخابات سال ۱۳۹۰ به جای اعتراف به شکست مبحث تقلب در انتخابات را با مبحث جدیدتری که همان تردید در آمار رأی‌دهندگان باشد جابجا کنند.

از منظری دیگر در تحلیل نهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی باید به نقش هوشمندانه رهبری در هدایت جریان انتخابات اشاره کرد در این رابطه باید به دو راهبرد «قانون‌گرایی» و «زمینه‌سازی به منظور افزایش مشارکت عمومی» که توسط رهبر انقلاب در دو سال گذشته پیگیری شد، اشاره کرد. رهبر معظم انقلاب که پس از انتخابات ریاست‌جمهوری و به‌رغم خواست جریان شکست‌خورده در انتخابات که در پی ابطال انتخابات بودند بر مشی «قانون‌گرایی» تأکید کردند. در واقع مطالبه فراقانونی شکست‌خوردگان انتخابات سال ۱۳۸۸ می‌توانست مشروعیت نظام انتخاباتی را از بین ببرد و در هر انتخاباتی کسانی که رأی نیاورده‌اند به بهانه تقلب در انتخابات از پذیرش نتیجه سرباز زنند. اما ایستادگی رهبری و اینکه قانون‌گرایی را خط قرمز نظام معرفی کردند موجب شد همگان و به‌ویژه گروه‌های سیاسی بدانند که اگر ادعایی در چگونگی برگزاری انتخابات دارند، تنها راه پیگیری آن راه قانونی است و نه راه دیگر. در انتخابات ۱۳۹۰ این پیش‌فرض را همگان پذیرفته بودند که باید آن را نتیجه پیگیری راهبرد «قانون‌گرایی» رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۸۸ دانست.

رهبری همچنین مدیریت برگزاری انتخابات را از همان آغاز سال ۱۳۹۰ به‌گونه‌ای پیش بردند که ضمن برگزاری یک انتخابات آرام، مشارکت بالای جامعه را نیز در پی داشت. از آغاز سال ۱۳۹۰ گروه‌های مختلف سیاسی جهت رقابت با یکدیگر فعالیت‌های خود را گسترش دادند. گرچه در بسیاری مواقع این رقابت‌ها چندان چهره ظاهری و عیان نداشت اما

برای تحلیلگران مسائل ایران روشن بود که این رفتارها معطوف به انتخابات مجلس است که قرار است در اواخر سال برگزار شود.

شکل‌گیری این فضای سیاسی در میان نیروهای سیاسی کشور اختلاف‌ها و چنددستگی‌ها را دامن زد که بیگانگان نیز در تقویت آن کوشیدند. اما رهبر انقلاب در اینجا نیز تلاش کردند با آموزش عقلانیت سیاسی به نخبگان سیاسی کشور ضمن دور کردن آنان از رفتارهای تند و رادیکالی ثبات سیاسی را که شرط لازم برای رقابت سیاسی است به روح جامعه و حکومت تزریق کنند.

از سوی دیگر، اصلاح‌طلبان تندرو که کارنامه منفی‌ای در انتخابات به سال ۱۳۸۸ داشتند، به جای عذرخواهی از رهبر و ملت در یک فرار رو به جلو پیش‌شرط‌هایی را برای حضور در انتخابات سال ۱۳۹۰ ارائه کردند. آنها گمان می‌کردند نظام اسلامی برای برگزاری انتخابات باشکوه، که در شرایط تحمیلی سخت بیرونی صورت می‌گرفت، به آنها نیازمند است. اما رهبر انقلاب بدون آنکه به این مطالبات نامشروع توجه کند با اجازه دادن به طیف‌های مختلف جبهه اصولگرا برای انتشار لیست‌های جداگانه فضا را برای رقابت‌های انتخاباتی فراهم کردند.

اکنون آنچه می‌ماند انتظار برای مشاهده میزان مشارکت عمومی در انتخابات بود. با برگزاری انتخابات و مشاهده مشارکت ۶۴ درصدی معلوم شد که انقلاب از یک پیچ پرخطر دیگر نیز به سلامت گذر کرده است، لذا گرچه پیش از انتخابات فضای سنگین تهدید به حمله نظامی علیه انقلاب وجود داشت، اما پس از آن این تهدیدها فروکش کرد. همچنین گرچه پیش از انتخابات فضای تبلیغی سنگینی به‌منظور بحرانی نشان دادن اقتصاد ایران وجود داشت، اما پس از انتخابات این فضا نیز شکسته شد.

اما دستاوردهای انتخابات مجلس نهم را به‌طور گزیده و فهرست‌وار می‌توان چنین برشمرد که در تمام آنها نقش مدیریت رهبر انقلاب را نمی‌توان نادیده گرفت:

۱. اثبات مکرر مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی (این موضوع پس از حوادث سال ۱۳۸۸ اهمیتی دوباره یافته بود)،

۲. اثبات مشروعیت نظام انتخاباتی در کشور و اعتماد جامعه به انتخابات جمهوری اسلامی،

۳. حذف نیروهای سکولار، تجدیدنظرطلب و رادیکال از سپر سیاسی و رقابت‌های انتخاباتی کشور،

۴. جایگزینی نیروهای سیاسی جدید معتقد به نظام و ولایت فقیه،

۵. تبدیل رقابت‌های سیاسی ساختارشکنانه و بیرون از نظام به رقابت‌های سالم و درون نظام،

۶. برگزاری انتخابات سالم، اخلاق‌مند و توأم با آرامش که در قیاس با انتخابات‌های گذشته از پرونده روشن‌تری برخوردار بود،

۷. تجلی ثبات سیاسی کشور و دفع تهدیدات بیرونی،

۸. تثبیت «قانون‌مداری» به‌عنوان یک رکن در رقابت‌های انتخاباتی،

۹. شکستن حباب توهم خودبزرگ‌بینی برخی گروه‌های سیاسی،

۱۰. افزودن حلقه‌های دیگر بر تجارب موفق نظام «مردم‌سالاری دینی».